

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال دوازدهم- شماره اول- بهار ۱۳۹۸- شماره پیاپی ۴۳

بررسی و تحلیل فکری - فرهنگی امهات متون نثر فارسی (۸-۴ ه ق)

بررسی موردی: جاسوسی

(ص ۱۸۱-۲۰۰)

محمد خدادادی^۲، محمد علی گذشتی^۳ (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۹۷

چکیده

جاسوسی یکی از مؤلفه‌هایی است که در حوزه نظام اطلاعاتی-امنیتی مورد بحث و کاوش صاحبان فن قرار میگیرد. از این حیث متون منثور کلاسیک فارسی (قرن ۴ تا ۸ ه ق)، نیز پهنه گسترده‌ای برای پژوهش در حوزه نظام اطلاعاتی حکومت‌های گذشته را فراهم کرده، تا لایه‌های اطلاعاتی را بشکافیم و به اغراض و اهداف این مهم دست یازیم. آثاری چون: تاریخ بیهقی، تاریخ جهانگشا، تاریخ وصاف، سیاست نامه، عتبه‌الکتبه، قابوس نامه، گلستان، اخلاق ناصری، که لایه‌های هزارتوی فکر سرمداران نظام سیاسی را واکاوی و ضرورت مورد استفاده قرار دادن فعالیت‌های اطلاعاتی و گماشتن جاسوسان و اصل جمع‌آوری اخبار را به خوبی بیان کرده؛ و حتی الگوهای راهبردی موثری را نیز برای فعالیت‌های ضد جاسوسی ارائه میکنند. همچنین آثاری چون: کلیله و دمنه و مرزبان نامه که یک آرمان شهر سیاسی را از زبان حیوانات ترسیم مینماید، به معرفی هر چه بهتر این مؤلفه پرداخته‌اند.

کلمات کلیدی: نظام اطلاعاتی، متون منثور، جاسوسی

۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

(khodadai.m63@gmail.com)

۳- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (magozashti@yahoo.com)

۱- مقدمه

سخن از نظام اطلاعاتی به خصوص جاسوسی در متون منثور فارسی، از جمله پژوهشهای بکر و ارزنده‌ای است که تا به حال در تتبعات متون نثر مورد غفلت واقع شده است. شاید دلیل اصلی نپرداختن محققان به این موضوع، چالشهای سیاسی و امنیتی باشد که در پژوهشهایی از این دست ممکن است برای پژوهشگر ایجاد شود. این پژوهش علیرغم محدودیتهایی که یاد کردیم صورت گرفته است. سیر جاسوسی و نام جاسوسان در پژوهش حاضر با عنایت به منابع معتبر نثر قرن ۴ تا ۸ هجری قمری به آن پرداخته شده است که در حقیقت زمان و مکان هم نمیشناسد و احکام ناشی از آن جهانشمول و فراگیر بوده و برای هر شخص و کشوری با هر گرایش و سلیقه‌ای قابل شناسایی و اجراست.

یکی از موضوعات مهمی که در متون منثور ادبیات فارسی، همواره در قالبهای گوناگون حکایت، تاریخ، نامه و غیره بررسی و تحلیل شده است، ساختار نظام اطلاعاتی دولتهای پس از اسلام بوده است که بر مبنای دیدگاهها و نظرات سیاستنامه نویسانی مانند فارابی، ماوردی، غزالی، ابن مسکویه و دیگران شکل گرفته است. برای مثال: بیهقی و جوینی در تاریخ خود و نصرالله منشی در کلیله و دمنه و وصاف الحضرة در تاریخ و صاف، منتجب الدین در عتبه الکتابه و نیز خواجه نظام الملک در سیاستنامه مهمترین ابعاد نظام حکومتی را بعضاً در قالب حکایتها تبیین نموده اند تا دستورالعملی برای نظام اطلاعاتی دولتهای پس از اسلام در ایران، تدوین نمایند؛ با این هدف که اساسنامه‌ای برای نظامهای سیاسی پس از اسلام، فراهم شود و مدینه اسلامی برای هزاران سال تثبیت شود.

در این پژوهش نوعی بررسی تطبیقی بین امهات کتب نثر قرنهای چهارم تا هشتم هجری در خصوص جاسوس و جاسوسی، انواع شگردهای جاسوسی، مترادفات واژه جاسوسی، نام رسمی جاسوسان، جاسوسان مخفی و راهبردهای مقابله با جاسوسی (ضد جاسوسی) صورت گرفته است تا مرز مشترک و ممتاز کتب مذکور در زمینه‌های یاد شده معین گردد. در این زمینه برخی کتب بصورت مفصل به موضوعی خاص گرویده اند و بعضی به اجمال گراییده اند. این پژوهش در حقیقت بیانگر این مرزهای مشترک و مفترق و این اجمال و تفصیل هاست.

بنابراین، ساختار نظام اطلاعاتی و رویکردها و ابعاد آن یکی از مسائل قابل تأمل در امهات متون ادب پارسی از قرنهای چهارم تا هشتم است که باید بررسی و تحلیل شود. مهمترین

سوال این پژوهش آن است که سبک و سیاق جاسوسی با رویکرد تحلیل فکری - فرهنگی، در متون منثور ادبیات فارسی چگونه به رشته تحریر درآمده است؟

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

متون منثور کلاسیک ادبیات در ایران به عنوان مهمترین اصول اجتماعی، سیاسی، دینی و فرهنگی، مورد توجه و حتی الگوبرداری بوده اند؛ بنابراین، این متون نقشی بسیار حیاتی در روند شکل گیری و ابتناء ارکان جامعه ایرانی ایفا نموده اند که لازم است تمام ابعاد ناکاویده این متون مشخص و مورد بررسی قرار گیرد و اگر ابهامی در موضوع وجود دارد، مشخص گردد. این امر منجر به شناخت کامل فکر- فرهنگی و هویت ایرانی میشود. از سوی دیگر، این مسئله به رغم اهمیت و حساسیت آن تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین، لازم است که ابعاد گوناگون آن مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

۳- پیشینه تحقیق

جاسوسی از مباحثی است که در حوزه اطلاعاتی- امنیتی بدان پرداخته شده و منابع بیشمار در این زمینه تالیف شده است؛ اما چون در شاخه ادبیات و متون ادبی کار مستقلی با عنوان بررسی و تحلیل فکری - فرهنگی متون منثور و بررسی موردی جاسوسی ابعاد گوناگون آن، انجام نشده منبع خاصی را نمیتوان ذکر کرد؛ هر چند جسته و گریخته و بیشتر بصورت تعریف و یا ذکر برخی اصطلاحات، کارهایی انجام شده است. برای مثال: کتاب اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی از حسن انوری را می توان نام برد و یا کتاب زبان سیاسی اسلام اثر برنارد لوئیس که اصطلاح اشراف را بررسی نموده اند.

۴- تعاریف جاسوسی

جاسوس و جاسوسی دارای دامنه تعریف گسترده ای می باشد که در ذیل به چند مورد اشاره خواهد شد. لازم است قبل از هر چیز تفحصی درباره معنای لغوی این واژه و واژه های دیگری چون تجسس و تفحص که به نوعی با کلمه جاسوس و جاسوسی ارتباط معنایی دارند داشته باشیم. هر کدام از این واژه ها هم به تنهایی دارای معنی مستقلی هستند و هم با یکدیگر ارتباط معنایی دارند. برای مثال:

در فرهنگ معین تجسس به معنی پژوهیدن، خبر جستن، پژوهش و جست و جو آمده است. (فرهنگ معین، معین: ذیل واژه تجسس) یا اینکه تجسس به معنی: به جستجو پرداختن در گوشه و کنار خانه معنا شده است. (فرهنگ کوچک معاصر فارسی، صدری افشار:

ذیل واژه تجسس) البته در متون مورد بررسی بیشتر مترادفات جاسوسی مستعمل بوده که بدانها اشاره خواهد شد.

تعاریف برخی صاحب‌نظران معاصر از این قرار است:

- گارو می‌گوید: جاسوسی جمع‌آوری و تملک اطلاعات و تعلیمات و اسناد قابل استفاده یک کشور خارجی بر ضد امنیت خارجی آن کشور است. (مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، گارو، جلد ۳: ۱۶۹۴)

- گلدوزیان می‌گوید: «جاسوس به شخصی گفته می‌شود که تحت عناوین غیر واقعی و مخفیانه به نفع خصم در صدد تحصیل اطلاعات یا اشیائی باشد.» (حقوق جزای اختصاصی، گلدوزیان، جلد ۱: ۳۷۲)

- لنگرودی نیز معتقد است: «از نظر حقوق بین‌الملل عمومی جاسوس به کسی اطلاق می‌شود که تحت عنوانهای نادرست و جعلی به نفع خصم در صدد تحصیل اطلاعاتی از نقشه و قوای طرف و مقصد او برآید.» (ترمینولوژی حقوق، جعفری لنگرودی: ص ۱۸۹)

۴-۱- واژه‌های مترادف

در بعضی از کتب نثر نظیر: تاریخ بیهقی، سیاست نامه، نفثه المصنوع و گلستان، دایره‌واژه‌های مترادف جاسوس و جاسوسی، محدود و در برخی دیگر نظیر: تاریخ جهانگشا، قابوس نامه، مرزبان نامه، عتبه‌الکتابه، دایره‌واژه‌های مترادف گسترده است. لغات مترادف ترکیبی از واژه‌های پارسی، ترکی، مغولی و عربی هستند و استعمال سه زبان اخیر در کتب نثر فارسی کاشف از سیطره نفوذ حاکمان وقت بر امر تاریخ‌نگاری و نویسندگی می‌باشد. با عنایت به دایره‌واژگان مترادف با جاسوس در کتب نثر فارسی قرن ۴ تا ۸ هجری میتوان بعضی مشابهت‌ها را در این زمینه ذکر کرد. از آن جمله «انها و منهی» در تاریخ بیهقی، سیاست نامه، تاریخ جهانگشا، مرزبان نامه، عتبه‌الکتابه، نفثه المصنوع بطور مشترک در معنی جاسوسی و جاسوس آمده است. واژه «اشراف» در معنی «جاسوسی» تنها در سه کتاب تاریخ بیهقی، سیاست نامه، مرزبان نامه ذکر شده است. واژه «تفحص و تجسس» در معنی «جاسوسی» در کتاب‌های سیاست نامه، تاریخ جهانگشا، مرزبان نامه، گلستان و عتبه‌الکتابه به طور مشترک ذکر شده است که البته در کتاب عتبه‌الکتابه معادل تفحص که «کشف» است جایگزین شده است. همچنین واژه «اعلام دادن» در معنی «جاسوسی» در ۳ کتاب تاریخ جهانگشا، مرزبان نامه و گلستان ذکر شده است. «جاسوسی» در معنی «اعلام کردن»

تنها در سیاست نامه آمده است. جاسوس در معنی « خبرچین » تنها در نفثه المصدور آمده است. همچنین « استکشاف » در معنی « جاسوسی » یک بار در تاریخ جهانگشا، و دو بار در عتبه الکته در معانی (تحقیق و تفتیش) آمده است. در معدود جای تاریخ جهانگشا واژه جاسوس به کار رفته است از جمله در جلد ۲: « جاسوس نام و ننگ ملت و ملک رسوا شد و ناموس باس و سیاست پیدا ... » (تاریخ جهانگشا، ج ۲: ۱۴۲)

در تاریخ جهانگشا « باسقاق » به معنای جاسوس بکار رفته است، که وجه تمایز این اثر با دیگر متون از نظر کاربرد این واژه می باشد. « و آثار فتنه و آشوب پدید آمد امرا و باسقاقان که حاضر بودند در تسکین فایده تشویش مشاورت کردند و با اعلام این رسولی بخجند فرستادند. » (همان، ج ۱: ص ۴۸ و نیز، جلد ۳ ص ۲۲۰)

در سیاستنامه نیز خواجه واژه های تفحص و تجسس (پرسید) را مترادف با جاسوسی آورده است.

« و از احوال عامل پیوسته میباید پرسید: اگر چنین می رود که یاد کردیم ، عمل بر وی نگاه دارند و اگر نه به کسان شایسته بدل کنند، ... » (سیرالملوک: ۵۶) پرسیدن از احوال به معنی تفحص و تجسس از اوضاع و احوال اشخاص و افراد است که خواجه طوس تاکید فراوان بر این امر دارد. فرقی هم نمیکند چه کسی باشد حتی از احوال وزیران و معتمدان دربار هم باید پرسید تا اعتماد کلی حاصل شود. « و از احوال وزیر معتمدان همچنین در سر می باید پرسیدن، تا شغلها بر وجه می داند یا نه؟ که صلاح و فساد پادشاه و مملکت بدو باز بسته باشد که چون وزیر نیک روشن باشد، مملکت آباد بود... و چون وزیر بدروشن باشد در مملکت آن خلل تولد کند ... » (همان) ، « اعلام کردن » « چون این حال مرا به درستی معلوم گشت ... » (همان: ۱۰۶ و نیز، صص ۵۸، ۵۹)

همچنین عنصرالمعالی در باب چهل و یکم پندنامه خود در آیین و شرط سپهسالاری این چنین میگوید: « از جاسوس فرستادن و از کار خصم خویش آگاه بودن غافل مباش و بروز و شب از طلایه فرستادن تقصیر مکن. » (قابوسنامه، ۲۲۳)

یکی از راهبردهای نظامی، تشکیل کارگروه اطلاعات عملیات است که عنصرالمعالی به آن اشاره و فرزند را بدان ترغیب میکند. یعنی طلایه فرستادن جهت بررسی اوضاع و احوال دشمن اعم از نیروی انسانی، ادوات، موقعیت جغرافیایی یا استراتژیکی، و نیز: « پرسیدن حال و روز دشمن » (همان، ۱۴۴ و ۱۴۵) ، « خبرآوردن » (همان: ۸۳) ، « مطلع بودن بر

احوال « (همان: ۱۴۷)، «خبر دادن» (همان: ۲۱۷) و همچنین «اعلام دادن» در باب هفتم مرزبان نامه:

«مگر غرابی بحکم اغتراب در آن نواحی افتاده بود از اندیشه شاه پیلان و سگالش ایشان خبر یافت.» (مرزبان نامه: باب هفتم) با خودش اندیشید که این از انصاف بدور باشد که این اخبار را بشنوم و به شیر که حیوانات بسیاری در ضمان سلامت او زندگی می‌کنند، خبر ندهم و آنها را از هجوم ناگهانی و فتنه‌ای که قصد آن را دارند آگاه نسازم، تا اینکه تصمیم می‌گیرد: «من بخدمت شیر روم و ازین حالش اعلام دهم مگر بتقریبی از این تقرب در پیشگاه آن حضرت مخصوص شوم و چون شر این حادثه ان شاء الله مکفی شود، مرا وسیلتی مرضی و ذریعتی شگرف پیش روزگار مدخر گردد که بواسطه آن اختصاص خدمتکاری یابم ...» (مرزبان نامه، باب هفتم: ۴۸۳-۴۸۲)، «اصفا کردن» (همان: ۶۱۴)، «خبررسانی» (تاریخ و صاف: ۱۵-۱۶) واژه‌هایی که در آثار فوق بیان شد نشانگر گستره معنایی و اهمیت واژه جاسوسی می‌باشد.

۵- جاسوسی و انواع آن در متون نثر فارسی (قرنهای چهارم تا هشتم هجری)

در باب انواع جاسوسی و روشهای منحصر آن محدود به سه کتاب تاریخ بیهقی، کلیله و دمنه و تاریخ و صاف می‌باشد که از این میان دایره انواع جاسوسی در تاریخ بیهقی به مراتب گسترده‌تر از دو کتاب مذکور است و مشتمل بر تقریباً تمام اشکال جاسوسی توسط تمام سران کشوری و لشکری است. جاسوسان خودجوش در تاریخ بیهقی و دیگر متون زیاد نگران وضع موجود بر جامعه نیستند بلکه نگران آن هستند که در دعوای قدرت بین دو ولیعهد یا صاحب منصب کدام یک پیروز می‌گردند، چون سرنوشت خودشان و گروهشان در گرو پیروزی ولیعهدی خاص است. حرّه ختلی دقیقاً در ماجرای مرگ محمود غزنوی چنین نقشی را ایفا می‌کند و برای بقای خود در قدرت به مسعود غزنوی متوسل می‌شود و خبر مرگ محمود و توطئه‌هایی را که پس از مرگ وی در حال شکل‌گیری است طی نامه‌ای مخفیانه به مسعود می‌رساند.

در کلیله و دمنه روشهای جاسوسی تا حدی منحصر به دو نوع جاسوسی خودجوش و جاسوس نفوذی است که در حوزه جاسوسی خودجوش با تاریخ بیهقی اشتراک دارد البته شخصیت‌های کلیله و دمنه، حیوان و شخصیت‌های تاریخ بیهقی انسانند و لذا کارکردی هم که از این دو شخصیت‌ها ظاهر می‌گردد الزاماً با هم یکسان و مشترک نیست. در آخر در تاریخ و صاف به دو نوع جاسوس بر می‌خوریم: مشرف ممالک (وزیر اطلاعات) و جاسوسی آشکار که

جاسوس نوع اول گاه بندرت خود مبادرت به جمع آوری اطلاعات میپردازد و گاه عوامل خود را بصورت ناشناخته به مکانهای مورد جاسوسی میفرستد. این دو نوع جاسوسی در تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه دیده نمی شود به این معنی که مرزهای مشترکی میان جاسوسی آشکار با جاسوسی نفوذی و جاسوسی خودجوش دیده نمی شود و جاسوس آشکار صرفاً خبر آمدن یا رفتن لشکری از مکانی به مکان دیگر به پادشاه گزارش می کند.

۵-۱- جاسوسی و انواع آن در تاریخ بیهقی

میتوان، دیوان اشراف را به اصطلاح امروز وزارت اطلاعات نامید. در دوره غزنویان و سلجوقیان صاحب دیوان اشراف که او را مشرف و مشرف مملکت هم می نامیده اند، در عداد ارکان دولت بوده است و چند معاون داشته که او را در اداره امور یاری میکردند و به هر ولایت نیز نایبی از طرف خود میفرستاده تا کارهای مربوط به دیوان اشراف را در آن ولایت انجام دهد. وظایف مشرفان به طور کلی عبارت بود از: بازرسی در امور دیوانی به ویژه در امر استیفا و امور مالی. (اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی، انوری: ۱۵۰)

- اشراف مملکت: که مراد از آن صاحب دیوان اشراف کل مملکت بوده است. سلطان مسعود پس از آن که وزارت را به احمد حسن میمندی و دیوان عرض را به بوسهل زوزنی داد. اشراف مملکت را نیز به بوسهل حمدوی واگذار کرد که قبلاً وزیر بود.

بیهقی میگوید: و دیگر روز بوسهل حمدوی را که از وزارت معزول گشته بود، خلعتی سخت نیکو داد جهت شغل اشراف مملکت، چنان که چهار تن که پیش از این شغل اشراف بدیشان داده بودند شاگردان وی باشند با همه مشرفان درگاه. (تاریخ بیهقی، جلد ۱: ۱۵۲)

- جاسوسی کدخدایان: چیزی که بیهقی آن را سخت نکوهیده است، این بود که کارگزاران و غلامان، ندیمان را پنهانی به جاسوسی مخدومان و روسای خویش برمیگماشتند و این امر به جای این که پایه های حکومت غزنوی به ویژه مسعود را محکمتر کند سر بسیاری از بزرگان را به باد داد و زمینه اضمحلال حکومت مسعود را بوجود آورد.

« و قضا بر این حال ها یار شد یکی آن که امیر مسعود عبدوس را فرا کرد تا کدخدایان ایشان (اریارق سالار هندوستان و غازی سپه سالار) را بفریفت و در نهان به مجلس امیر آورد و امیر ایشان را بنواخت و امید داد که انفاس خداوندان خود را شمرد و هر چه رود با عبدوس می گویند تا وی باز نماید. آن دو خامل ذکر کم مایه فریفته شدند بدان نواختی که یافتند و هرگز به خواب ندیده بودند و این دو مرد برکار شدند و هر چه دروغ و راست روی میکردند و با عبدوس میگفتند. » (همان: ۲۶۷)

یکی از نتایج این نوع جاسوسی این بود که نوعی بدبینی و عدم اطمینان در غازی بوجود آورد و باعث درگیری و زخمی شدن او شد و در نهایت با سخنان تحریک آمیز و توطئه‌ی محمودیان زندانی گردید. محمود هم یکی از کارگزاران وفادار خود را از دست داد.

- جاسوسی اوقاف غزنین: مراد از آن بازرسی و تفتیش امور مربوط به اوقاف غزنین بوده است (اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی، انوری: ۱۵۳) - جاسوس دیوان رسالت، جاسوسی حاجب، جاسوسی پدر بر پسر، جاسوسی پسر بر پدر، جاسوسی برادر بر برادر، جاسوسی غلامان سرایی و جاسوس خزانه، از دیگر انواع جاسوسی در تاریخ بیهقی می‌باشد.

۵-۲- جاسوسی و انواع آن در کلیله و دمنه

در کلیله و دمنه نمونه‌های عینی و آشکار جاسوس نسبت به سایر متون بارزتر می‌نماید. این اثر چون از زبان حیوانات نقل شده؛ لذا، با صراحت خاصی این مؤلفه را بیان کرده و عواقب ناگوار آن را گوشزد می‌کند. در ذیل به نمونه نادر جاسوسی اشاره شده است.

- جاسوس خود جوش: مادر شاه یکی از این جاسوسان است که خود نیز تعدادی جاسوس یا خبرچین دم دست دارد تا اخبار را جمع‌آوری کرده و در اختیار او قرار دهند تا به وقت مناسب اخبار را به شیر گزارش دهد. که در این میان پلنگ به ایفای این نقش می‌پردازد. «پلنگ گفت: اگر مرا هزار جان باشد، فدای یکساعته رضا و فراغ ملک دارم... و من خود آن منزلت و محل کی دارم که خود را در معرض شکر آرم و ذکر عذر بر زبان رانم... و اکنون که بدین درجت رسید مصلحت ملک را فرو نگذارم و آنچه باشد بجای آرم...» (کلیله و دمنه: ۱۵۶)

۵-۳- جاسوسی و انواع آن در تاریخ و صاف

- مشرف ممالک (وزیر اطلاعات): گفته شد که در دوره مغول شغل اشرافی و انبهاگری نظم و نظام خاصی به خود گرفت و شخصی که این مسئولیت خطیر را بر عهده می‌گرفت مشرف الملک (وزیر اطلاعات) می‌گفتند. اما کسی که در زمان جلوس منکوقاآن این منصب مهم بر عهده داشت شمس الدین محمد کرت بلکاسی نام داشت.

«مجد الملک هنگام امضاء عبارت مشرف الممالک نام بلکاسی را چنان رقم می‌زد که کشش یاء بلکاسی مانند خط بطلان برنام و نشان صاحب (خواجه بهاء الدین صاحب دیوان) کشیده میشد.» (تاریخ و صاف: ۵۷)

- جاسوسی آشکار: «چون بیماری غازان خان در خراسان شایع شد هر قداق بدبخت که از سلطان محمد خائف بود می‌خواست در این میان فرصتی بدست آورد و آلافرنگ (پسیر

کیخاتوخان) را به خانی بر دارد. بدین نیت فرمود تا در هر موضع بجای پنج نفر هفت نفر مامور آوردن اخبار سازند و جاسوسان در راه بگذاشت تا هر چه زودتر از مرگ ایلخان مطلع شود و با امیران هزاره و صده پیمانهای محکم بست.» (همان: ۲۷۱)

۵-۴- جاسوسی و انواع آن در نفثه المصدور

در این کتاب جاسوسی نمود بارزی ندارد و فقط در چند جای به واژگان مترادفی از واژه جاسوسی اشاره شده است.

«تواتر اخبار تاتار، و سرعت اجتياز ملاعین بر بلاد و دیار، زمام اختیار چنان از دست ربود...» (نفثه المصدور: ۱۱)

تواتر اخبار تاتار، توسط منهیان و خبرچینان دائم به دیار مختلف مخابره میشد تا مردم بلاد مختلف تدبیر کار خود بیندیشند.

۵-۵- جاسوسی و انواع آن در عتبه الکته

بهترین جاسوسان سیاسی، سفرایی هستند که به کشورهای مختلف فرستاده می شوند و اخبار را جابجا می کنند، چرا که از مصونیت قضایی برخوردارند. پس یکی از این مولفه ها فرستادن رسول (سفیر) هست که وجه اشتراک بارز بین متون مورد بررسی است به خصوص مرزبان نامه، کلیله و دمنه، عتبه الکته و حتی تاریخ جهانگشا .

آگاهی از فعالیتهای جاسوسی سایر کشورها به خصوص آن دسته از فعالیتهای جاسوسی که در پوشش خبرنگار، تاجر، دیپلمات و امثال اینها صورت می گیرد. (حقوق کیفری اختصاصی، میرصادقی: ۷۸) که در قالب جاسوس سیاسی قرار می گیرد.

- سفارت: «و امیر اجل عالم یک علی را برسالت و سفارت بجانب دارالخلافة فرستاد و نامزد فرمودند تا این بشارت فتح برساند و بدیوان انشاء اشارت رفت تا رسالتی نویسند بر ذکر آنچه رفتست چنانکه عرضی را شاید بر رای انور اشرف امیر المومنین اعزالله انصاره مرا رغبت افتاد و تحریر آن رسالت و روزی دو از دیوان و درگاه کنار گرفتم و فتح نامه حاوی ذکر هر چه در آن سفررفته بود نیشتم.... و این فتحنامه در صحبت عالم یک ببغداد فرستادند...» (عتبه الکته: ۵-۴)

- دانستن: «و چون دانسته ایم که محیی الدین بزرگوارتر از آنست که در ملابست این خیر بزرگ بوصایتی محتاج باشد.» (همان: ۸)

چگونه دانستن و از کجا دانستن بسیار حائز اهمیت است. بدون شک جاسوسانی هستند که خواص را زیر نظر بگیرند و حرکات و سکنات و خصوصیات اخلاقی آنها را به رده‌های مربوطه گزارش دهند تا به شایستگی و عدم شایستگی آنها پی ببرند. «چه درین مدت که فخر الدین متقلد آن شغل بوده است ازو همه آن مسموع گشته است و مشاهده شده.» (همان: ۱۲)

مسموع گشته یعنی شنیده ایم و این شنوایدن اخبار توسط مخبران صورت می‌گیرد پس فخر الدین میتواند به عنوان مخبر یا خبرگذار ظاهر شده باشد.

- فرستادن نواب: فرستادن نواب توسط قضا که در آن دوره وظیفه تفحص و تجسس در احوال مردم را نیز بر عهده داشتند صورت می‌گرفت. در واقع کار اصلی نواب جمع‌آوری اخبار توسط جاسوسان مخصوص بوده تا بر آن اساس بتوانند قضاوت درستی داشته باشند. یا به قاضی القضا خبر دهند.

«و به هر موضع نواب عالم مهذب کوتاه دست گمارند...» (همان: ۱۳)

- به سمع رسانیدن: «مدتی گذشت تا حال اضطراب رعایا مازندران و اختلال امور آن ولایت بسمع خدایگان عالم پادشاه شرق و غرب خلدالله ملکه میرسیدست و خاطر انور اشرف خدایگانی اعظمی بنظم شمل (پیشانی و آشوب) آن مصالح التفات میداشته و ترتیب تدارک آن خلل و اذالت آفات از آن رعایا در تدبیر می‌آورده...» (همان: ۱۵-۱۴) به سمع رسانیدن یکی از روش‌های جاسوسی است. در واقع رایج‌ترین نوع جاسوسی همین است. بطوریکه حتی هر خبر بی‌ارزش را نیز به سمع بالادستیها میرسانیدند.

۵-۶- جاسوسی و انواع آن در گلستان

- آگهی دادن: در باب اول گلستان حکایت سوم چنین آمده که «وقتی برادران بزرگتر به برادر کوچکتر که ولیعهد پدر نیز بود حسد بردند و «زهر در طعامش کردند خواهرش از غرقه بدید دریچه بر هم زد. پسر دریافت و دست از طعام کشید... پدر را از این حال آگهی دادند.» (گلستان: ۶۰)

- تجسس: در حکایت چهارم از باب اول چنین آمده که «تشکیل گروه تجسس (اطلاعات عملیات) از موثرترین راهبردهای اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی است. وقتی که «مدبران مالک آن طرف در دفع مضرت ایشان (طایفه دزدان) مشورت کردند... سخن بر این مقرر شد که یکی را به تجسس ایشان برگماشتند و فرصت نگه داشتند تا وقتی که بر سر قومی

رانده بودند و مکان خالی مانده، تنی چند مردان واقعه دیده جنگ آزموده را بفرستادند تا در شعب جبل پنهان شدند.» (همان: ۶۱-۶۰)

۵-۷- جاسوسی و انواع آن در اخلاق ناصری

مؤلفه جاسوس در این اثر نمود بارزی ندارد و در چند جای بطور مختصر خواجه بدان اشاره کرده که در ذیل بیان می شود.

خواجه معتقد است یکی از عوامل تسلط و غلبه بر دشمن گماشتن جاسوس است. به خصوص در جنگها با بیداری و هوشیاری کامل باید این عمل انجام شود.

«و مهمترین شرایط حرب تیقظ و استعمال جاسوس و طلايه باشد.» (اخلاق ناصری: ص ۲۰۷)

منظور خواجه از استعمال جاسوس و طلايه احتمالاً تشکیل گروه اطلاعات عملیات جهت نفوذ در خطوط دشمن برای جمع آوری اطلاعات و اخبار ضروری و شناسایی نقاط ضعف و قوت دشمن می باشد، تا اینکه تدابیر تاکتیکی و تکنیکی مناسب برای مقابله با آنها طراحی شود.

۶- نام جاسوسان رسمی در متون نثر فارسی

نام جاسوسان رسمی در تاریخ بیهقی غالباً با عبارت «ابو» آغاز میگردد: ابوعبدالله حاتمی، ابوالفتح حاتم، بوالفرج کرمانی، ابوالمظفر جمحی، ابوسعید مشرف، ابونصر عینی و ابوالقاسم علی نوکی. و این عبارت، این فرضیه را قوت میبخشد که غالب جاسوسان رسمی دربار غزنه از نژاد عرب بوده اند که توسط خلیفه بغداد تایید و تثبیت و به ایران گسیل میشده اند، که اگر چنین فرضیه ای درست بوده باشد کاشف از همکاریهای اطلاعاتی حکومت غزنوی با خلفای بغداد به جهت تثبیت قدرت غزنوی و خلیفه عباسی بوده است.

در تاریخ جهانگشا، اگر نام بهاء الملک را که جاسوسی دو جانبه است، استثنا کنیم، سایر جاسوسان (کشتکین، شمور تیانکو (جاسوس شخصی ارسلان خان)، (شیلامون بیتکچی) در حقیقت نامهای مغولی و ترکی دارند و به احتمال قطع به یقین ترکان مغولی هستند که با حمله چنگیز و فرزندان او به ایران در دستگاه حاکمه ایلخانان منصب و مقامی یافته اند. به ظاهر باید در حکومت غزنوی هم که ترک نژاد بوده اند به نامهایی از قبیل نام های مندرج در تاریخ جهانگشا بر میخوریم، اما چنین چیزی دیده نمیشود، چون محمود غزنوی نابغه حکومت داری و امور نظامی است و برای او بقای حکومت بیش از هر چیز دیگر ارزش داشت، لذا، او بر اساس فرضیه ای که یاد کردیم در گزینش بیشتر جاسوسان دخالتی نداشته است.

در تاریخ و صاف به عکس تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشا نام طیف وسیعی از جاسوسان را می‌بینیم که آنگونه که از نامشان پیداست ترکیبی از عرب و ترک و ایرانی هستند: (ابن العلقمی، مسعود بیک، ملک مظفر (مملوکی قفقازی)، قاضی نصیرالدین تبریزی و قاضی قطب الدین موصلی، اسماعیل، ماما...) و تنها در این کتاب است که دایره فعالیت جاسوسان از رأس و هرم قدرت به بدنه جامعه نفوذ می‌کند چون طبیعتاً جاسوسان عرب بر عرب‌زبانان ساکن ایران گماشته می‌شدند، جاسوسان ایرانی بر پارسی‌زبانان و جاسوسان ترک بر ترک‌زبانان. در ضمن برای اولین بار قاضیان حکومتی هم بعنوان جاسوس گماشته می‌شوند. اما در دو کتاب کليلة و دمنه و مرزبان نامه که جاسوسان شخصیت‌هایی حیوانی هستند تنها اشتراک موجود جاسوسی زاغ در هر دو کتاب است و این امر در ادبیات فارسی مسبوق به سابقه است، زیرا زاغ علاوه بر آنکه نماد نحسی و شومی بوده، نمادی از نَمّامی و سخن‌چینی هم تلقی می‌شده است.

۶-۱- نام جاسوسان رسمی در تاریخ بیهقی

- **ابوالفتح حاتمی:** ادیب و دولتمرد دستگاه محمود، محمد، مسعود و مودود غزنوی در پادشاهی محمود در دیوان رسالت بود. سپس صاحب برید تخارستان گشت. مسعود او را برای نگه داشتن منافع خود در دستگاه پدرش مشرف کرد و او در نهان رویدادهای دربار محمود را از طریق پدرش که صاحب دیوان هرات بود به مسعود گزارش میداد.

- **ابوالفرج کرمانی:** « در سال ۴۱۴ که محمود، اریارق را به سالاری هند برگزید، قاضی علی شیرازی در پی جستن دست آویزی برای برانداختن اریارق، ابوالفرج کرمانی مشرف را مشرف دستگاه او گردانند... » (تاریخ بیهقی : ۱۳۲) نام دیگر مشرفان رسمی دربار غزنه: ابوالمظفر جمحی (همان: ۱۶۲)، ابوسعید مشرف (همان، ۷۶)، بوسهل حمدوی (همان: ۸۰)، ابونصر صینی (همان، ۱۷۱)، ارسلان (همان: ۲۱۶)، ریحان خادم (همان: ۳۸۷)، سعید صراف (همان: ۴۰۴)، طغرل عضدی (همان: ۴۴۴)، عبیدالله نسبۀ اسفراینی (همان: ۱۹۵)، ابوالقاسم علی نوکی (همان، ۴۲۱)، نوشتگین خاصه (همان: ۱۷۳) سایر جاسوسان غیر رسمی: امیرک بیهقی (همان: ۲۴۵)، عبدوس (همان: ۱۵) (همان: ۴۸)، حاکم مطوعی (همان: ۱۸۱) حسن محدث (همان: ۳۵۳)

۶-۲- نام جاسوسان در کليلة و دمنه

- **دمنه:** دمنه به عنوان یکی از مقربان شیر، از طرف وی مأموریت میابد تا بعنوان یک جاسوس از حال و روز شنزبه تفحص و تجسس کند و برای شیر گزارش دهد. چرا که در

ابتدا شنزبه را نمی شناختند و او را به عنوان خصم تلقی میکردند. به همین خاطر نوعی جاسوسی بشمار میرود.

« و اگر مرا مثال دهد بنزدیک او روم و بیان حال و حقیقت کار ملک را معلوم گردانم. شیر را این سخن موافق آمد. دمنه برحسب مراد و اشارت او برفت. ناگاه دمنه از دور پدید آمد... چون به (شیر) پیوست پرسید که: چه کردی؟ گفت: گاوی دیدم که آواز او بگوش ملک می رسید. گفت قوت او چیست؟ گفت: ندیدم او را نخوتی و شکوهی که برقوت او دلیل گرفتی » (کلیله و دمنه: ۷۲)

نکته: یکی از وظایف جاسوس بیان دقیق و شرح آنچه دیده و شنیده است، همانگونه که دمنه اوصاف و اوضاع شنزبه را ریز به ریز شرح میکند.

- **پلنگ:** پلنگ به عنوان یک جاسوس خود جوش که از سر دلسوزی نسبت به شیر سخنانی را که بین کلیله و دمنه رد و بدل می شد را می شنید و به طور نامحسوس برای مادر شیر تقریر میکند.

« شبی پلنگ تا بیگاهی پیش او (شیر) بود، چون بازگشت بر مسکن کلیله و دمنه گذرش افتاد. کلیله روی به دمنه آورده بود و آنچه از جهت او در حق گاو رفت باز می راند. پلنگ بیستاد و گوش داشت... چون پلنگ این فصول تمام بشنود بنزدیک مادر شیر رفت و از وی عهدهی خواست که آنچه گوید مستور مانده و پس از وثیقت و تاکید آنچه از ایشان شنوده بود باز گفت، و مواعظ کلیله و اقرار دمنه مستوفی تقریر کرد. » (همان، ۱۲۹-۱۲۸)

۶-۳- نام جاسوسان در مرزبان نامه

- **زاغ:** زاغ بعنوان جاسوس به دستور شیر « با شتر مقدمات دوستی و میانی صحبت آغاز نهاد و یک چندی طلیعه فهم و جاسوس نظر را بر مدارک حسی و مسالک عقل نشاند تا از حقیقت حال او خبری بازگیرد با عضدت آنها کند. » (مرزبان نامه: ۶۰۱)

- **غراب:** « مگر غرابی بحکم اغتراب در آن نواحی افتاده بود... از اندیشه شاه پیلان و سگالش ایشان خبر یافت. » با خود گفت: « من بخدمت شیر روم و ازین حالش اعلام دهم... » (همان: ۴۸۳-۴۸۲)

- **خارپشت:** « مگر خارپشتی درین حال بگوشه نشسته بود سر درگریبان تغافل کشیده، این سخن اصغا کرد، از آنجا پیش خرس رفت و او را از مجاری کار و ماجرای حال آگاهی داد. » (همان: ۶۱۴) خارپشت در نقش یک جاسوس ظاهر می شود و اخبار را به خرس می رساند.

۴-۶- نام جاسوسان در تاریخ جهانگشای جوینی

- **کشتکین:** «مجیر الملک ملازم رکاب سلطان بود تا بوقتی که سلطان منهزم از ترمذ روان شد کشتکین پهلوان بی استطلاق رای بجانب اهل سرای که مقیم مرو بودند مایل شد و خبر تشویق و تفرقه و خروج لشکر بیگانه به او...» (تاریخ جهانگشا، ج ۱: ص ۱۲۰)

- **شمور تیانکو** (جاسوس شخصی ارسلان خان)

«یکی بود از امرای کورخان شمرور تیانکو نام با او از قدیم مصارقت و مصافاتی تمام داشت او «ارسلان خان» را از اندیشه کورخان (مبنی بر کشتن وی) اعلام داد و گفت اگر او قصه ای پیوندد خانه و فرزندان نیز مستاصل کلی شوند...» (همان، ۵۶)

- **شیلامون بیتکچی:** «چون شیلامون بیتکچی که ایلچی خواجه (پسر اغول غایمیش) بود از ادای رسالت فارغ شد بسخن او زیادت التفاتی نمود و خواست که او (ایلچی) را قصه ی پیوندد...» (همان، ج ۳: ۵۵)

- **دو کودک به نام «کلک و باده»:** وقتی اونک خان قصد از بین بردن چنگیزخان را داشت این دو کودک به عنوان جاسوس شخصی و خودجوش چنگیز را مطلع میکنند و او جان بدر می برد.

«چون بخت بیدار و دولت یار بود دو کودک از آن اونک خان بگریختند. یکی کلک و دیگری باده و چنگیز خان را از خبث عقیدت ایشان خبر دادند...» (همان، ج ۱: ۲۷)

۵-۶- نام جاسوسان در تاریخ و صاف

- **مسعود بیک:** «در اواخر سال ۶۶۴ مسعود بیک را به رسالت نزد آباقاخان فرستاد و اظهار خلوص کرد ولی قصدش از فرستادن این رسول آن بود که میزان لشکر او را دریابد و راه ها بشناسد...» (تاریخ و صاف: ۳۹)

- **ابن العلقمی:** «ابن العلقمی این واقعه (ارتباط پنهانی مولانا نصیرالدین را که قصیده ای از منشات خود را به حضرت مستعصم فرستاده بود) را به ناصرالدین محتشم خبر داد که مولانا نصیرالدین با خلیفه باب مکاتبات گشوده است.» (همان: ۱۶)

- **ملک مظفر (مملوکی قفقازی):** «پس از استقرار بر سریر سلطنت هوس سلطنت بر ممالک روم نمود. پس ناشناخته با دو سه تن از خواص خود به جاسوسی به روم شد و راه ها را شناخت و به میزان نیروی دشمن نیز آگاه گردید.» (همان: ۵۳)

۷- جاسوسان مخفی در متون نثر فارسی (قرن ۴ تا ۸ هجری)

فلسفه وجودی جاسوسان مخفی در تاریخ حکومت‌های پادشاهان ایران دو چیز بوده است: (۱) حفظ اطلاعات سری و عدم دسترسی دشمن به آن (۲) حفظ جان جاسوسان به عنوان کسانی که کوله باری از شگردهای جاسوسی و اطلاعاتی داشته اند.

۷-۱- جاسوسان مخفی در تاریخ بیهقی

- پیرزنی که جاسوس مخفی امیر مسعود بود: بیهقی از زبان عبدالغفار بیان می کند: « و جده یی بود مرا زنی پارسا و خویشان دار و قرآن خواندن و نبشتن دانست و تفسیر قرآن و تعبیر و اخبار پیغمبر (ص) نیز بسیار یادداشت... پس جد و جدۀ من هر دو به خدمت آن خداوند زادگان (مسعود و محمد) مشغول گشتندی... و درین روزگار امیر مسعود به تخت ملک رسید پس از پدر، این زن را سخت نیکو داشتی به حرمت خدمت‌های گذشته چنان که به مثل در برابر سیده والده بود.» (تاریخ بیهقی، ۱۶۵-۱۶۴)

- زن حسن مهران نام و دختر خوانده اش: (همان: ۲۳۳) فراش پیری که از پدر به پسر و بالعکس پیغام می آورد. (همان: ۱۸۳) جاسوسانی که خبر دستگیری مسعود توسط پدر را در ری آنها کردند (همان: ۱۸۴)

۷-۲- جاسوسان مخفی در تاریخ وصّاف

«چون بولوقان خاتون، تیمور قاآن را مشرف به مرگ دید در خفیه رسول فرستاد و آننده، پسر منتقلای نبیره قبلا قاآن را با ملک تیمور احضار کرد.» (تاریخ وصّاف : ۲۷۹)

«نکودار اغول (از خادمان آباقاخان) با هزار سوار به داخل گرجستان گریخت و به داود ملک پناه برد و دختر خود را به او داد ولی گرجیان در نهان قصد قتلش کردند. او خبر یافت و بگریخت...» (همان: ۴۲)

۸- روش‌های جاسوسی در متون نثر فارسی

۸-۱- روش‌های جاسوسی در کلیله و دمنه

الف) تشکیل گروه تفحص و تجسس: شیر یک گروه تجسس و تفحص را ترتیب و اعزام میدارد تا حقیقت و اصل ماجرا را درباره اوضاع و احوال دمنه و خیانتی که از جانب وی ظاهر گشته را جستجو کنند.

« و می خواهم که تفحص این کار بکنم و در آن غلو و مبالغت واجب بینم، اگر چه سودمند نباشد و مجال تدارک باقی نگذاشته ام، اما شناخت مواضع خطا و صواب از فواید فراوان خالی نماند.» (کلیله و دمنه : ۱۳۰)

در هر دولتی، سازمانی یا اداره‌ای وجود دارد که مسئول تحقیق و تفحص درباره افراد مختلف را برعهده دارند (اداره‌گزینش)؛ ظاهراً در « کلیله و دمنه » و در حکومتی که شیر رهبری آن را برعهده دارد، قضات مسئول این کار بودند که این وجه اشتراک بین عتبه الکته و کلیله و دمنه و تاریخ وصاف میباید.

«چون شیر سخن دمنه بشوند گفت: او را بقضات باید سپرد تا از کار او تفحص کنند.» (همان: ۱۳۴)

با توجه به اعتماد بنفسی که دمنه دارد، در جواب شیر میگوید: «ولکن واثقم بدین تفحص که مزید اخلاص من ظاهر گردد و هر چیز که نسیم عطر دارد بپاشیدن آن اثر طیب زودتر باطراف رسد...» (همان: ۱۳۵) «شیر فرمود که دمنه را بپاید بست و بقضات سپرد و تجسس کرد تا تفحص کار او بکنند.» (همان: ۱۴۰)

«و نمیخواهم که در کار او شتابی رود... و تا تفحص تمام نفرمایم خود را در کشتن او مغرور شناسم ...» (همان: ۱۴۱)

ب) استراق سمع: این مولفه یکی از روشهای متداول جاسوسان در گذشته و حتی در زمان حال میباشد، البته امروزه با پیشرفت علم و فناوری بوسیله وسایل کاملاً پیشرفته انجام می‌گیرد. اما در کلیله و دمنه نیز این روش بسیار پر کاربرد و متداول است.

در باب بازجست کار دمنه، دمنه حکایت رابطه نامشروع زن بازرگان و همسایه او را بیان می‌دارد و اینکه غلامی حرفهای آنها را می‌شنود و ... همسایه گفت: «چادری دورنگ سازم... و چون تو آن را بدیدی بزودی بیرون خرام و غلامی این باب میشنود... آن غلام آن چادر را از دختر او عاریت خواست و زن را بدان شعار بفریفت و بدو نزدیک شد و پس از قضای شهوت بازگشت و چادر باز داد...» (همان: ۱۴۸)

نمونه دیگر در باب بازجست کار دمنه، ددی که با دمنه در زندان محبوس بود، سخنان دمنه را با کلیله میشنود و به خاطر میسپارد.

«و ددی با دمنه بهم محبوس بود و در آن نزدیکی خفته، به سخن کلیله و دمنه بیدار شد و مفاوضت ایشان تمام بشنود و یاد گرفت و هیچ بازنگفت.» (همان: ۱۴۴)

ج) تعقیب لحظه به لحظه: یکی از شیوه‌های جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات تعقیب لحظه به لحظه است، چرا که درصد اطمینان بدین اخبار بسیار بالاست. این زمانی است که سازمان اطلاعاتی به فردی مظنون باشد بدون آن که فرد مظنون متوجه شود انجام میگیرد درواقع این کار توسط جاسوس انسان انجام میشود که میتوان «جاسوسی سنتی» هم نامید،

چرا که از گذشته های بسیار دور، جاسوسی بوسیله فرد یا افراد جاسوس صورت گرفته است. بطوری که جاسوسان با نفوذ در موضع دشمن یا پایگاههای اطلاعاتی آنها، به گردآوری اطلاعات طبقه بندی شده اقدام کرده اند، بدون اینکه به تجهیزات خاصی مجهز باشند. (سازمانهای جاسوسی جهان، ریچلسون : ۱۸۱)

« زاهدی از مریدی گاوی دوشا ستد و سوی خانه میبرد. دزدی آن بدید در عقب او نشست تا گاو ببرد. دیوی در صورت آدمی با او همراه شد. دزد ازو پرسید تو کیستی؟ گفت: دیو، بر اثر این زاهد میروم تا فرصتی یابم و او را بکشم.... » (کلیله و دمنه: ۲۱۵)

سازمان اطلاعاتی به فردی مظنون باشد به کمک جاسوس تعقیب بکنند و یا اگر سوژه مهم و قابل توجهی باشد به وسیله چند نفر به نام تیم تعقیب و مراقبت، او را تحت نظر میگیرند که کجا می رود و با چه کسی تماس دارد و.... این کار بدون آنکه فرد مظنون متوجه شود انجام میگیرد.

د) جاسوس عینی: جاسوسی که خود با چشم و گوش خود همه چیز را میبیند و میشنود، عملی که درودگر برای ایقان از بدکارگی زنش انجام میدهد.

«چون او برفت و زن میره (معشوق) را بیگاهانید و میعاد آمدن قرار داد و درودگر بیگاهی از راه نبهره در خانه رفت، ... در زیر برکت رفت تا باقی خلوت را مشاهدت کند.... » (همان، ص ۲۱۹-۲۱۸)

۸-۲- روش جاسوسی در تاریخ وصاف

- تفحص و تفتیش: « الفی... از جهت احتیاط و تفحص رسولی را به اتفاق شحنة و امراء لشکر فرستاد » (تاریخ وصاف: ۶۳)

« پس منصب وکالت حضرت سلطنت را در تفحص املاک ممالک و دعاوی آن به قاضی القضاة مجد الدین اسماعیل خالی که در قضاوت تالی شافعی و ابوحنیفه بود مفوض داشت. (همان: ۹۶)

«بوقا میدانست که ایلخان به سخن کسانی که او را بر تفتیش اموال و ضبط دارائی دیگران وا دارند راغب است و نیز در آن زمان سخن چینی مجد الملک در حق صاحب دیوان رواج یافته بود.» (همان: ۱۲۱)

پس از وفات ارغون خان تصمیم امراء بر آن شد تا شاهزاده کیخاتو خان به سلطنت برسد اما از دعوت وی پشیمان شدند و « پیش از آنکه کیخاتو خان برسد طغاجار (که از امراء بود) بالیزاد را به روم فرستاد که ما باید اغول را به خانی برداشتیم. کیخاتو، بالیزاد را شکنجه کرده

سخن پرسید (تفحص حال و بازجویی) او صورت حال بازگفت و عقیده یک یک امراء را عرضه داشت.» (همان: ۱۵۷)

۹- دلایل جاسوسی در سیرالملوک

خواجه نظام الملک فصل دهم سیرالملوک نوشته است: «واجب است بر پادشاه از احوال رعیت و لشکر و دور و نزدیک خویش پرسیدن و اندک و بسیار آن چه رود بدانستن. اگر نه چنین کند عیب باشد و بر غفلت و خوارکاری و ستم کاری حمل کنند و گویند... پس غافل است و کم‌دان... و این هر دو معنی نه نیک است. لابد به صاحب برید حاجت آید و به همه روزگار پادشاهان در جاهلیت و اسلام صاحب برید داشته اند تا آنچه رفته است از خیر و شر آن باخبر بوده اند... و باید که ایشان از قبل پادشاه باشند و نه از قبل کسی دیگر و مزد و مشاهره ایشان باید که از خزانه مهیا می‌رسد تا به فراغ دل احوال مینماید تا هر حادثه که تازه شود پادشاه میداند و آن چه واجب کند می‌فرماید... که صاحب خبر و منهی گماشتن از عدل و بیداری و قوت رای پادشاه باشد و آبادان کردن مملکت. (سیرالملوک: ۷۹)

۱۰- ابزار جاسوسی

یکی از وسایل جابجایی اخبار در آن روزگار پرندگان از جمله، شاهین و کبوتر نامه بر بوده است.

«بطاقه ای که مرغ آورده بود، بمن دادند، می خواندم و با آنچه از هول حادثه متوقع دم(نفس) در مجاری حلق فرو مرده بود - بَل دَم (خون) در مجاری عروق فسرده...» (نفثه المصدور: ۳۳)

یکی از ابزارهای جاسوسی که در تاریخ وصاف بدان نیک اشاره شده پرندگان میباشد. یعنی استفاده از کبوتران نامه بر.

«در سال ۶۷۱ ه ق ایلخانان لشکری روانه دیار شام نمود و قلعه بیره را حصار داد. ساکنان قلعه به وسیله کبوتر به حما و حمص و از آنجا به قاهره فرا رسیدن. لشکر مغول را اطلاع دادند. (تاریخ وصاف: ۵۴)

۱۱- نتیجه گیری

با بررسی مؤلفه جاسوسی در اعصار گذشته، میتوان گفت نظارت و بازرسی بر امور کارکنان و مردم، همواره مورد توجه بوده و از صدر اسلام، دیوانی به آن اختصاص داده شده است. این دیوان که با نام اشراف شروع به کار کرد، در طول زمان، تغییر نام داده و امروز با نام وزارت اطلاعات و امنیت کشور ادامه حیات میدهد. از دیوان اشراف تا زمان غزنویان اطلاع زیادی

نداریم؛ زیرا منبع مستقلى وجود ندارد که به آن پرداخته باشد و در کتابهای تاریخی هم، فقط مطالبی پراکنده از آن نقل شده است. شاید بتوان نتیجه گرفت به دلیل وظیفه حساس این دیوان، نام و وظیفه آن پوشیده مانده است، اما در دوره غزنویان ابوالفضل بیهقی، در تاریخ خود به این دیوان پرداخته که حقایق زیادی را هم روشن کرده است؛ مثلاً هر چند دیوان اشراف با هدف نظارت و بازرسی بر امور مالی و دیوانی تأسیس شد ولی به دلیل درگیر شدن با جاسوسیه‌ها و خبر آوری‌ها ی نهانی از هدف اصلی خود فاصله گرفته و روی سوی اغراض شخصی آورده است. حتی این مؤلفه نمود بارزتری در کلیله و دمنه و مرزبان نامه، نیز تاریخ جهانگشا، عتبه الکته، تاریخ وصاف داشته که نمونه های مذکور حاکی از اهمیت این موضوع بسیار حساس میباشد.

به طور کلی متون منشور تاریخی ادبیات فارسی در بردارنده حکایتها و داستانهای آمیخته به تاریخ است که عرصه را برای انجام تحقیقات هر چه گسترده در این زمینه فراهم میکند. در نتیجه این پژوهش با تدقیق در جامعه آماری مورد نظر توانست ابعاد گوناگون نظام اطلاعاتی - امنیتی از جمله مؤلفه جاسوسی و راهبرد امنیتی ضد جاسوسی را مورد تحلیل و بررسی قرار بدهد.

منابع و مأخذ

- ۱- تاریخ وصاف، آیتی، عبدالحمید (۱۳۴۶)، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول
- ۲- کلیله و دمنه، ابوالمعالی، نصر الله منشی (۱۳۸۳)، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، تهران، دانشگاه تهران
- ۳- اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی، انوری، حسن (۱۳۸۰)، تهران، فطمی، چاپ دوم
- ۴- تاریخ بیهقی، بیهقی، ابوالفضل (۱۳۴۲)، بکوشش دکتر فیاض، تهران، چاپخانه بانک مرکزی
- ۵- تاریخ بیهقی، بیهقی، ابوالفضل (۱۳۸۵)، بکوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، مهتاب، چاپ دهم
- ۶- تاریخ جهانگشا، جوینی، محمد (۱۳۸۵)، تصحیح محمد قزوینی، تهران، دنیای کتاب، چاپ چهارم
- ۷- ترمینولوژی حقوق، جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۲)، تهران، گنج دانش، چاپ دوم
- ۸- سازمانهای جاسوسی جهان، ریچلسون، جفری، تی (۱۳۷۴)، ترجمه بابک ساعدی، تهران، نشر کیهان، چاپ اول
- ۹- نفثه المصدور، زیدری نسوی، شهاب الدین محمد (۱۳۸۵)، تصحیح امیر حسن یزدگردی، تهران، توس، چاپ دوم

- ۱۰- جلسوسی و خیانت به کشور، ساریخانی، عادل (۱۳۷۸)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ اول
- ۱۱- گلستان، سعدی، مصلح الدین (۱۳۸۴)، به تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، چاپ هفتم
- ۱۲- فرهنگ معاصر کوچک فارسی، صدری افشار، غلامحسین، (۱۳۸۷)، تهران، نشر فرهنگ، چاپ او
- ۱۳- سیرالملوک، طوسی، نظام الملک (۱۳۸۵)، تصحیح محمد استعلامی، تهران، زوار، چاپ اول
- ۱۴- اخلاق ناصری، طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۸۷)، تصحیح عزیزالله علیزاده، تهران، فردوس، چاپ دوم
- ۱۵- قابوس نامه، عنصرالمعالی کیکاووس بن وشمگیر (۱۳۷۵)، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، علمی فرهنگی، چاپ هشتم
- ۱۶- مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، گارو، رنه (بی تا)، جلد ۳، تهران، ابن سینا
- ۱۷- حقوق جزای اختصاصی، گلدوزیان، ایرج (۱۳۶۹)، تهران، انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، چاپ دوم
- ۱۸- حقوق جزای اختصاصی، گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۳)، تهران، ایران مهر، چاپ ۴
- ۱۹- حقوق جزای اختصاصی، گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۴)، استخراج از مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی بررسی جلسه یکم تا سی و یکم، تهران، جهاد دانشگاهی
- ۲۰- فرهنگ اسلامی، معین، محمد (۱۳۷۱)، جلد ۱، تهران، امیر کبیر
- ۲۱- فرهنگ معین، معین، محمد (۱۳۶۴)، جلد ۱، تهران، امیر کبیر
- ۲۲- عتبه الکتبه، منتجب الدین بدیع، علی بن احمد (۱۳۸۴)، تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال آشتیانی، تهران، اساطیر، چاپ اول
- ۲۳- حقوق کیفری اختصاصی، میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۷)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، میزان، چاپ اول
- ۲۴- مرزبان نامه، وراوینی، سعدالدین (۱۳۸۶)، بکوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، صفی علیشاه، چاپ یازدهم